

قیود تحدیدکننده اجرای مجازات مجنون؛ نقدی بر نظر مشهور فقها و رویکرد قانون‌گذار ایران

محمدهادی توکل‌پور*، محمدامین ملکی**

چکیده

مشهور فقهای امامیه معتقدند عروض جنون پس از ارتکاب جرم مانع اجرای مجازات نیست. اگرچه این حکم توسط برخی فقها مورد تردید قرار گرفته است و قانون‌گذار ایران نیز در قوانین کیفری خود شرایطی را برای امکان اجرای این مجازات در نظر گرفته است ولی به نظر می‌رسد با دقت در مستند روایی این موضوع بتوان محدودیت‌های بیشتری را برای اجرای مجازات مجنون قائل بود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی سندی و دلالتی روایات مربوطه به این نتیجه دست یافته است که روایت دال بر مجازات مجنون از جهت نوع جرم ارتكابی و ظرف زمانی اثبات جرم یعنی زمان صحت یا عروض جنون و نیز شیوه اثبات، اطلاق نداشته و شمولش نسبت به ارتکاب هر جرم و نیز فرض اثبات جرم در زمان عروض جنون و به هر شیوه، مورد شبهه و تردید است و به نظر می‌رسد آنچه از ادله قابل استفاده است، جواز اجرای حد شلاقی است که با اقرار فرد در زمان افاقه او اثبات شده باشد؛ امری که با حقوق دفاعی متهم و لزوم رعایت احتیاط در دماء نیز سازگاری بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: اجرای مجازات، مجنون، جنون پس از ارتکاب جرم، موانع مسئولیت کیفری، حقوق دفاعی متهم

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران،
tavakolpour@ujss.ac.ir

** استادیار گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)
maleki@ujss.ac.ir

مقدمه

ارتکاب جرم در زمان عروض جنون،^۱ از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. مستند فقهای امامیه در رفع مسئولیت کیفری از مجنون که بر آن اتفاق نظر وجود دارد (علامه حلی، ۳/۱۴۱۳: ۵۵۵؛ شهید ثانی، ۱۴/۱۴۱۳: ۴۸۰؛ صاحب جواهر، ۴۱/۱۴۰۴: ۴۸۱) حدیث نبوی مشهوری است که در منابع روایی اهل سنت نیز بیان شده است؛ مطابق با این روایت، مادامی که فرد مبتلا به جنون به حالت سلامتی برنگشته است چنانچه مرتکب جرمی شود، مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد و به عبارت دیگر، مسئولیت کیفری ندارد^۲ (نک: حر عاملی، ۲۸/۱۴۰۹: ۲۳). با این حال پیرامون عروض جنون پس از ارتکاب جرم میان فقها اختلاف نظر وجود دارد که مشهور فقهای امامیه در این خصوص معتقدند عروض جنون پس از ارتکاب جرم مانع مجازات فرد مرتکب نیست. این در حالی است که در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران که در حال حاضر مجری هستند نظر مشهور پذیرفته نشده است و با لحاظ برخی شرایط همچون حق‌اللهی یا حق‌الناسی بودن جرایم و نیز برخی ملاحظات دیگر، نسبت به اجرای مجازات مجنون، تفاوت‌هایی در نظر گرفته شده است.

مشاهده مستندات روایی مربوطه نشان می‌دهد که می‌توان با دقت در این روایات، موضوعات بیشتری نسبت به آنچه تاکنون در کلام فقها و نظر قانون‌گذار بیان شده است را در این قضیه دخیل دانست؛ موضوعاتی همچون وضعیت سلامتی مرتکب در زمان اثبات جرم، نوع دلیل اثباتی و نوع مجازات آن، که در امکان یا عدم امکان اجرای مجازات فردی که پس از ارتکاب جرم دچار جنون می‌شود، اثرگذار هستند؛ موضوعی که از دید پژوهش‌های صورت‌پذیرفته در این خصوص نیز پنهان مانده است و در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد. در پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص اجرای مجازات مجنون، معمولاً پس از تبیین مواد قانونی مربوطه^۳ به رویکرد قانون‌گذار از منظر حقوقی، اجتماعی یا روان‌شناختی انتقاد وارد می‌شود و در برخی موارد نیز به نظرات فقها در این خصوص اشاره می‌شود^۴؛ در حالی که در این پژوهش با بررسی تفصیلی اساس و مبانی تصویب این قوانین که ادله شرعی است، به نظر مشهور فقها و رویکرد قانون‌گذار ایران، نقد وارد می‌شود و پیشنهاداتی جهت اصلاح این قوانین ارائه می‌شود.

۱. برای مشاهده اطلاعات پیرامون مفهوم و معیارهای فقهی و حقوقی جنون نک: ره‌پیک و هادی، ۱۴۰۰: ۳۵۳-۳۷۹.

۲. «... أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَمِيقَ وَأَنَّهَا مَغْلُوبَةٌ عَلَى عَقْلِهَا وَنَفْسِهَا...»

۳. به عنوان مثال نک: جودکی و عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۲۱.

۴. به عنوان مثال نک: عباسی و غلامی، ۱۳۹۶: ۷۷-۹۰.

بر این اساس، مسئله‌ای که این پژوهش به دنبال بررسی و پاسخ‌گویی به آن است محدودیت‌هایی است که از حیث وضعیت سلامتی مرتکب در زمان اثبات جرم، نوع دلیل اثباتی و نوع مجازات در خصوص اجرای مجازات مجنون وجود دارد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی سندی و دلالی روایات مربوطه در مقام بررسی و پاسخ‌گویی به این مسئله است. در این راستا ابتدا به رویکرد فقهای امامیه و همچنین رویکرد قانون‌گذار ایران نسبت به این موضوع پرداخته می‌شود؛ سپس با بررسی ادله مربوطه و نقد و بررسی آن به‌ویژه از حیث سندی، دلیل معتبر و قابل استناد مشخص می‌شود و در نهایت نیز با بررسی دلالی مستند معتبر، محدودیت‌های مذکور تبیین خواهند شد.

۱. اقوال فقهی

پیرامون اجرای مجازات فردی که پس از ارتکاب جرم مجنون شود، نظرات مختلفی توسط فقها بیان شده است. در این خصوص برخی از فقها قائل به اجرای مجازات به‌طور مطلق و برخی نیز قائل به تفصیل شده‌اند. در این قسمت پس از بیان این نظرات، به نظر قانون‌گذار ایران و مستند فقهی آن نیز اشاره می‌شود.

۱-۱. اجرای مجازات مجنون به‌طور مطلق

مشهور فقیهان امامیه معتقدند اگر حدوث جنون بعد از ارتکاب جرم باشد، مانع از اجرای حد بر فرد مبتلا به جنون نیست. مراجعه به آرای فقها و دقت در آن‌ها حاکی از آن است که ایشان در مورد عروض جنون بعد از ارتکاب جرم از عبارت «لم یسقط الحد» استفاده کرده‌اند و در مسئله مورد گفت‌وگو تفصیلی نداده و بین جرم ارتكابی یا زمان اثبات جرم یا شیوه اثبات آن تفاوتی قائل نشده‌اند. این اطلاق چنانچه مورد توجه آنان بوده باشد بدین معناست که تفاوت جرم ارتكابی و به‌تبع آن تفاوت نوع مجازات اعم از شلاق، قتل و رجم، تأثیری در عدم اجرای مجازات ندارد و نیز در هر زمان که جرم اثبات شود خواه قبل از عروض جنون یا بعد از آن باشد و به هر شیوه‌ای که اثبات شود اعم از اینکه با اقرار خود فرد بوده یا با شهادت شهود باشد، امکان اجرای مجازات نسبت به مجرم مجنون وجود دارد. ذیلاً به عبارات برخی فقها اشاره می‌شود:

مرحوم حر عاملی (عاملی، ۸/۱۴۱۲: ۴۵۱)، علامه حلی (حلی، ۳/۱۴۱۳: ۵۳۳) و فرزندش فخرالمحققین (حلی، ۴/۱۳۸۷: ۴۸۷) در مورد مجازات شخصی که مرتکب جرم حدی زنا شده و سپس مجنون شده است بیان کرده‌اند: «اگر شخص عاقلی مرتکب زنا شود و سپس جنون بر وی عارض شود، حد از او ساقط نمی‌شود و باید حد بخورد.» برخی دیگر از فقهای متأخر نیز به تبعیت از سلف

۱. «ولو زنی أحدهما عاقلاً ثم جنَّ لم یسقط الحد، بل یحدّ حالة الجنون (بل یستوفی منه)»

خود، در کتب فقهی در مورد شخصی که مرتکب جرم حدی شده و سپس مجنون شده فتوا داده‌اند: «هنگامی که حدی بر شخصی واجب شود، سپس وی مجنون شود، حد او ساقط نمی‌شود بلکه حد در حال جنون بر او جاری می‌شود»^۱ (خوئی، ۱۴۱۰: ۳۷؛ جزیری و همکاران، ۱۴۱۹: ۵/۲۰۵؛ وحید خراسانی، ۳/۱۴۲۸: ۴۸۲؛ حسینی روحانی قمی، بی‌تا/۳: ۲۶۸؛ فیاض کابلی، بی‌تا/۳: ۲۸۷). مرحوم آیت الله مؤمن قمی نیز در تبیین فتاوی امام خمینی ضمن تأیید اینکه چنین مجنونی مجازات می‌شود، دلیل این حکم را چنین بیان کرده است:^۲ «اگر شخص عاقلی، دیگری را قذف کند سپس جنون بر وی عارض شود حد بر او ثابت است و جنون سبب سقوط حد نمی‌شود و در حال جنون حد می‌خورد. زیرا عموم ادله حد قذف اقتضا دارد هر کس دیگری را قذف نمود حد بخورد. شخص مجنون نیز در زمانی که عمل قذف را انجام داده، مجنون نبوده و عاقل بوده بنابراین تحت عمومات و جوب اجرای حد باقی می‌ماند. تنها جایی که استثنا شده است موردی است که شخص در حال قذف مجنون باشد» (مؤمن قمی، ۱۴۲۲: ۴۳۸). مرحوم آیت الله اردبیلی نیز در مقام نقل نظر مشهور آورده است: «در موردی که شخصی عملی انجام دهد و حدی بر او ثابت شود، جمع زیادی از فقهای امامیه قائل شده‌اند که حد از وی ساقط نمی‌شود»^۳ (موسوی اردبیلی، ۱/۱۴۲۷: ۵۳۳).

۲-۱. تفصیل در اجرای مجازات

گرچه مشهور فقیهان امامیه معتقد شده‌اند عروض جنون پس از ارتکاب جرم، به‌طور مطلق مانع مجازات مرتکب نیست، اما در مقابل نظر مشهور، برخی از فقهای متقدم و تعدادی از فقهای متأخر، این فتوا را خالی از اشکال ندانسته و با عدم پذیرش مستندات مشهور یا خدشه در اطلاق حکم مذکور، در مسئله احتمال تفصیل داده‌اند. بدین معنا که معتقد شده‌اند مستفاد از برخی روایات صحیح، تنها در برخی از انواع جنایات می‌توان بر مجنون حد جاری کرد و شیوه اثبات جرم در حکم مسئله دخیل و تأثیرگذار است. همچنین از روایت مورد استناد چنین فهمیده می‌شود که نوع خاصی از حد در زمان عروض جنون قابل اجراست.

مرحوم صاحب ریاض در این خصوص چنین نگاشته است: «برخی احتمال داده‌اند چنانچه

۱. «إذا وجب الحدّ علی شخص ثمّ جنّ لم یسقط عنه، بل یقام علیه الحدّ حال جنونه.»

۲. «لو قذف العاقل أو المجنون أذواراً فی دور عقله ثمّ جنّ العاقل و عاد دور جنون الأذواری ثبت علیه الحدّ و لم یسقط، و یحدّ حال جنونه. لعموم أدلّة حدّ القذف؛ فإنّها تقتضی ثبوت الحدّ علی کلّ قاذف، و بالنسبة إلى الجنون إنّما قام الدلیل علی خروج من كان مجنوناً حین ما قذف، فببقی غیره فی عمومها فیجب علیه الحدّ.»

۳. «و أما اعتراض الجنون فذهب جمع کثیر من فقہائنا إلى عدم سقوط الحدّ به، بمعنی أنّه إن فعل ما یوجب علیه الحدّ و هو صحیح لا علّة به من ذهاب عقل ثمّ جنّ، أقیم علیه الحدّ.»

حد، شلاق بوده و مجنون ادواری باشد باید تا زمان بازیافت سلامتی عقلی منتظر ماند. عده‌ای دیگر احتمال داده‌اند در مجنون دائمی به‌طور مطلق، حد ساقط باشد و گروه سومی نیز سقوط حد را در صورت عدم احساس درد و عدم انزجار از اجرای مجازات، محتمل دانسته‌اند^۱ (طباطبایی، ۱۵/۱۴۱۸: ۵۰۲). مرحوم شهید ثانی با تشکیک در ثبوت مطلق مجازات مجنون، در این باره فرموده است: «اگر مجازات مجنون، قتل باشد در زمان جنون جاری می‌شود اما اگر مجازات وی شلاق باشد، در اینکه منتظر شویم از جنون خارج شود و حد را جاری نماییم یا اینکه در همان حال جنون حد را جاری نماییم، دو نظر وجود دارد که بهترین آن‌ها پرهیز از اجرای حد در زمان جنون است»^۲ (شهید ثانی، ۱۴/۱۴۱۳: ۳۸۰). مرحوم محقق اردبیلی هم در این خصوص فرموده است: «این احتمال وجود دارد که بگوییم مجازات مجنون تا زمانی که افاقه عقلی پیدا کند، به تأخیر بیفتد زیرا مجنون تکلیفی ندارد و فایده‌ای بر حد او وجود ندارد»^۳ (محقق اردبیلی، ۱۳/۱۴۰۳: ۸۲). مرحوم فاضل هندی نیز با نقد نظر مشهور در ثبوت مطلق مجازات مجنون آورده است که چنین نظری صحیح نیست (فاضل هندی، ۱۰/۱۴۱۶: ۴۷۸). مرحوم آیت الله گلپایگانی نیز معتقد است پذیرفتن نظر مشهور و مجازات شخص در حالی که مجنون شده است امری عجیب است^۴ (گلپایگانی، ۲/۱۴۱۲: ۱۶۳). ایشان معتقد است مجازات برای کسی که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد یا به سبب مقتضای حالش، اصلاً متوجه آن نمی‌شود و عقل و درک و شعور ندارد فایده‌ای ندارد؛ بلکه مجازات باید برای کسی باشد که از آن اثر بپذیرد و آن را درک کند^۵ (گلپایگانی، ۳/۱۴۱۲: ۲۸)؛ در صورتی که مجنون نه دردی را حس نمی‌کند و حتی اراده فرار از دست مأمور اجرای حکم را ندارد^۶ (گلپایگانی، ۱/۱۴۱۲: ۳۸۳). مرحوم موسوی اردبیلی معتقد است اثبات مجازات برای چنین

۱. «احتمل بعضُ فی المعتور: انتظار إفاقته إن كان الحدّ جلدًا و آخر السقوط فی المطبق مطلقاً و ثالث السقوط مطلقاً إن يحسّ بالألم و كان بحيث لا ينزجر به.»
۲. «ثم إن كان قتلاً لم ينتظر بالمجنون الإفاقة، و إن كان جلدًا ففی انتظار إفاقته- إن كان له حالة إفاقة- و جهان: من أنه أقوى فی الردع ... و هذا أجود.»
۳. «و يحتمل السقوط إلى أن يفیق، لعدم التکلیف و النفع فی الحدّ.»
۴. «و هذا فی الذهن عجیب و ذلك لأنه لا فائدة فی إجراء الحدّ علی المجنون.»
۵. «لا معنى لتأديب من لا يتأثر بالأدب و لا يلتفت إليه و لا يقبله بمقتضى حاله و لعدم تعقله و درکه و قصور شعوره بل التأديب متعلق بمن يقبل ذلك و يتأثر به.»
۶. «و اما كون المجنون بهذه الحالة فهو أمر واقع و ربّما يكون بحيث لا يتألم ممّا يصيبه و لذا لا يفتر ممّن يريدان يضربه.»

مجنونی امری بس مشکل است که از ذهن دور است (موسوی اردبیلی، ۱/۱۴۲۷: ۵۳۶). مرحوم آیت الله منتظری نیز در کتاب الحدود خود در این باره آورده است: «فتوا دادن به اجرای حد بر شخص مجنون در حال جنون وی، امری مشکل و مخالف موازین است ... ذهن نیز از پذیرش چنین نظری ابا دارد»^۱ (منتظری، ۱۴۱۸: ۵۰۲).

۳-۱. نظر مؤثر در قوانین کیفری ایران

قطع نظر از دکتترین موجود در خصوص امکان تعقیب و اجرای مجازات فرد مجنون که مجازات مجنون را یکی به دلیل عدم بهره‌مندی از حق دفاع در مرحله اثبات جرم و دیگری به دلیل عدم درک مجازات و عدم نیل به اهداف مجازات، نامناسب و ناعادلانه ارزیابی می‌کند، با عنایت به اینکه قوانین جمهوری اسلامی ایران نباید مغایر با موازین شرعی باشند، اتخاذ تصمیم در این خصوص بر اساس مبانی فقهی صورت می‌پذیرد. در حال حاضر مقررات کیفری ایران در خصوص موضوع این مقاله، تبصره (۱) ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ و تبصره (۲) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۳ است. بر اساس این مواد قانونی، عارض شدن جنون قبل از صدور حکم در جرایم حق‌اللهی به طور مطلق و در جرایم حق‌الناسی، چنانچه شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون در فرض افاقه بتواند از خود رفع اتهام کند، سبب توقف تعقیب و دادرسی می‌شود.

بررسی نظرات شورای نگهبان به عنوان نهادی که تشخیص عدم مغایرت قوانین با موازین شرعی بر عهده فقهای آن است پیرامون ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حاکی از آن است که در بررسی مصوبه نخست مجلس، برخی فقهای شورای نگهبان قائل بودند که تأخیر در اجرای مجازات‌های تعزیری و نیز حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد در خصوص فردی که پس از ارتکاب جرم دچار جنون می‌شود، دارای ایراد شرعی است؛ زیرا بر اساس موازین شرعی، هرگاه رسیدگی به موضوع

۱. «الافتاء باجراء الحد جلدا كان او رجما علی المجنون فی حال جنونه مشکل و مخالف للموازین و الارتکاز ایضا یأبی ذلک.»

۲. تبصره ۱: «هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.»

۳. تبصره ۲: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند...»

طبق موازین شرعی تمام باشد و صرفاً نیاز به انشای حکم باشد و به بیان دیگر با وجود کامل بودن ادله، دلیلی برای تأخیر اجرای مجازات وجود ندارد. در مقابل برخی فقهای شورا بیان داشته‌اند که حکم روایات بر عدم سقوط حد و وجوب اجرای حد بر شخص مجنون، مربوط به جایی است که جنون پس از حکم قاضی بر فرد عارض شده باشد و حدوث جنون قبل از صدور حکم را شامل نمی‌شود. بر این اساس این ماده که مربوط به تعویق محاکمه تا زمان افاقه مجنون است، مربوط به حدوث جنون قبل از صدور حکم قاضی است و لذا مغایرتی با موازین شرعی ندارد. در نهایت این ماده مغایر با موازین شرعی اعلام نشد و همان مفاد مصوبه نخست مجلس در حال حاضر به‌عنوان ماده ۱۵۰ قانون، مجری و معتبر است (توکل‌پور و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۲-۹۰).

اما در خصوص ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این ماده در چند مرحله مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت. در تبصره (۲) ماده ۱۳ مصوبه نخست مجلس همچون ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ بیان شده بود که «هر گاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب متوقف می‌شود.» در جلسه بررسی این تبصره در شورای نگهبان برخی از فقها قائل به این موضوع می‌شوند که طبق فتاوی امام خمینی (ره)، جنون پس از انجام جرم موجب سقوط مجازات نمی‌شود و حتی در فرضی که مرتکب قبل از اثبات حکم مجنون شود نیز می‌توان با بینه جرم او را ثابت کرد و مجازات را بر او اجرا کرد. در مقابل برخی از فقها بیان می‌داشتند که فتاوی امام خمینی (ره) در این خصوص مربوط به مواردی است که جرم محرز و اثبات شده باشد و در خصوص مواردی که متهم قبل از اثبات جرم، مجنون شده باشد باید برای وی چنین حقی قائل بود که بتواند با دفاعیاتی که از خود به عمل می‌آورد از اتهام انتسابی رهایی یابد (توکل‌پور و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۲-۳۹). در نهایت شورای نگهبان در نظر خود این چنین بیان کرد که: «اطلاق متوقف شدن تعقیب در تبصره (۲) ماده (۱۳)، در مواردی که ثابت شود مرتکب در حال ارتکاب جرم عاقل بوده است، به‌نحوی که اگر در حال تعقیب و صدور حکم عاقل هم بود، نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند، خلاف موازین شرع است.»^۱

به نظر می‌رسد با دقت در فتاوی امام خمینی (ره) در این خصوص^۲ می‌توان به این جمع‌بندی

۱. بند ۴ نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان خطاب به مجلس شورای اسلامی.

۲. «لا یسقط الحد باعتراض الجنون أو الإرتداد، فإن أوجب علی نفسه الحد و هو صحیح لا علة به من ذهاب عقل ثم جن أقیم علیه الحد رجماً أو جلداً، و لو ارتكب المجنون الأذواری ما یوجبه فی دور إفاقته و صحته أقیم علیه الحد و لو فی دور جنونه، و لا ینظر به الإفاقة، و لا فرق بین أن یحس بالألم حال الجنون أو لا.» (خمینی، بی‌تا/۲: ۴۶۵)؛ «لو

نائل شد که نمی‌توان از کلام ایشان به مطلق بودن اجرای حد بر فرد مجنون حتی در فرض عروض جنون قبل از اثبات جرم نیز پی برد؛ حتی در نقطه مقابل با توجه به ذکر عبارات «و هو صحیح» و «حال صحته» در فتاوی‌ای ایشان، به نظر می‌رسد برداشت لزوم اثبات جرم در حال صحت فرد از نظر ایشان قریب به صواب باشد. به هر حال با توجه به برداشتی که فقهای شورای نگهبان از بیان امام خمینی (ره) داشته‌اند در حال حاضر در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نظر مشهور فقها ملاک قرار داده نشده است و قیودی بر اطلاق این نظر وارد شده است که به آن اشاره شد.

۲. بررسی ادله و انتخاب دلیل معتبر

در مقام کشف حکم ابتدا ادله اجتهادی مورد واکاوی قرار گیرد؛ لذا در این قسمت ادله اجتهادی و اصول عملیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظر به اینکه پیرامون این موضوع، آیه‌ای برای استناد وجود ندارد، روایات مربوطه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در این خصوص دو روایت یعنی روایت حسن بن محبوب و برید بن معاویه وجود دارد که در این قسمت پس از بیان و توضیح اجمالی آن‌ها به بررسی سندی آن‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت با بررسی اعتبار میان آن‌ها، اعتبار آن‌ها برای استناد مشخص می‌شود.

۲-۱. روایت صحیح حسن بن محبوب

حضرت امام باقر (ع) در مورد فردی که حد بر او واجب شده و قبل از مضروب شدن دچار جنون شده است فرمودند: «اگر در حال صحت و به دور از ذهاب عقل بر خودش حدی را واجب کرده، حد بر او جاری می‌شود هر طور که باشد.»^۱ این روایت در مقام بیان آن است که اگر شخصی مرتکب جرمی شد و بعد از ارتکاب جرم و فرایند دادرسی و صدور حکم به جنون مبتلا شود، چنین جنونی مانع اجرای حکم نیست. حسن بن محبوب در این روایت از ثقات است که همه کتب رجالی وی را توثیق کرده‌اند؛ همه رجالیان و محدثان متقدم و متأخر در وثاقتش متفق‌اند (از جمله طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲؛ ابن داوود حلّی، ۱۳۹۲: ۷۷؛ علامه حلّی، ۱۳۸۱: ۳۷؛ مجلسی، ۱۳۷۸: ۵۹). همچنین نام ایشان در طبقه اصحاب امام کاظم (برقی، ۱۴۳۳: ۱۱۸؛ طوسی، ۱۳۸۰: ۳۴۷)، اصحاب امام رضا (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۷۶؛ طوسی، ۱۳۸۰: ۳۷۲) و اصحاب امام جواد (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۷۶) آمده است. نام

قتل عاقلٌ ثم خولط و ذهب عقله لم يسقط عنه القود سواء ثبت القتل بالبينة أو بإقراره حال صحته» (خمینی، بی‌تا/۲: ۵۲۲)

۱. وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ وَجَبَ عَلَيْهِ حَدٌّ فَلَمْ يَضْرِبْ حَتَّى خُولِطَ، فَقَالَ: «إِنْ كَانَ أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ الْحَدَّ وَهُوَ صَحِيحٌ لَا عِلَّةَ بِهِ مِنْ ذَهَابِ عَقْلٍ أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ كَأَنَّ مَا كَانَ.» (شيخ صدوق، ۴/۱۴۱۳: ۴۲)

او در شمار اصحاب اجماع نیز آمده است (کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶). علی بن رناب نیز از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت نقل کرده است (نجاشی، بی تا: ۲۵۰). نام ایشان در سند حدود ۵۰۰ حدیث ذکر شده است (خوئی، ۱۳۷۲/۱۲: ۱۸). علمای رجال در آثار خود وی را ستوده‌اند و شیخ طوسی او را ثقه و جلیل‌القدر توصیف کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۷). ابوعبیده زیاد بن عیسی (رجاء) حذاء کوفی نیز جزء اصحاب امام باقر و امام صادق بوده و از آنان حدیث نقل کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲). نجاشی نیز ابوعبیده را از محدثان معروف شیعه، موثق و صحیح‌الروایه می‌داند (نجاشی، بی تا: ۱/۱۷۱). با توجه با مباحث مزبور، سند این روایت کامل است و روایت صحیح‌ه می‌باشد.

۲-۲. روایت برید بن معاویه

از حضرت امام باقر (ع) در مورد مردی سؤال شد که عمداً مرد دیگری را کشته و حد بر او جاری نگردیده و شهادت صحیح علیه او داده نشده تا اینکه بر او جنون عارض شده است. پس از آن، گروهی علیه او شهادت می‌دهند که آن مرد را کشته است. حضرت فرمودند: «اگر شهادت دهند قاتل در حال صحت و سلامت عقلی مرتکب قتل شده است قصاص می‌شود و اگر به این مطلب شهادت ندهند و مالی دارد، از مال او دیه مقتول پرداخت می‌شود و اگر مالی باقی نگذارده است از بیت‌المال، دیه او داده می‌شود و خون مسلمان باطل نمی‌گردد.»^۱

از روایت برید استفاده می‌شود که در صورت ارتکاب جرم و اثبات آن توسط بینه در دادگاه، عروض جنون مانع اجرای حد نیست؛ بنابراین اولاً باید حد اثبات شده باشد و ثانیاً این اثبات باید از طریق اقامه بینه صورت گرفته باشد. همچنین در صورتی که جرم اثبات شده توسط شهود، قتل باشد، اجرای حد بر مجنون مجاز است. از این رو از روایت استفاده نمی‌شود که مطلق حدود با هر نوع اثباتی لازم‌الاجرا است. از فقره «إِنْ شَهِدُوا عَلَيْهِ أَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَ هُوَ صَحِيحٌ» چنین استنباط می‌شود که ملاک در اقامه حد، زمان اثبات جرم نیست، بلکه ملاک، اثبات وقوع جرم در زمان صحت و سلامت عقل است. زیرا ممکن است اثبات جرم در زمانی صورت گیرد که مرتکب جنون سلامتی خود را از دست داده باشد. بلکه آنچه مهم است این است که شهادت‌دهندگان به وقوع جرم

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ خَصْرِ الصَّبْرِيِّ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: سَأَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا عَمْدًا، فَلَمْ يَقَمْ عَلَيْهِ الْحَدُّ، وَ لَمْ تَصِحَّ الشَّهَادَةُ عَلَيْهِ حَتَّى حُولَطَ وَ ذَهَبَ عَقْلُهُ، ثُمَّ إِنَّ قَوْمًا آخَرِينَ شَهِدُوا عَلَيْهِ - بَعْدَ مَا حُولَطَ - أَنَّهُ قَتَلَهُ؟ فَقَالَ: «إِنْ شَهِدُوا عَلَيْهِ أَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَ هُوَ صَحِيحٌ لَيْسَ بِهِ عِلَّةٌ مِنْ فَسَادِ عَقْلٍ، قُتِلَ بِهِ؛ وَ إِنْ لَمْ يَشْهَدُوا عَلَيْهِ بِذَلِكَ وَ كَانَ لَهُ مَالٌ يَعْرِفُ، دُفِعَ إِلَى وَرَثَةِ الْمُقْتُولِ الدِّيَةُ مِنْ مَالِ الْقَاتِلِ، وَ إِنْ لَمْ يَثْرِكْ مَالًا، أُعْطِيَ الدِّيَةُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، وَ لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷/۷: ۲۹۵).

توسط جانی در زمان صحت و سلامتی شهادت دهند.

مطلب دیگر مستفاد از روایت آن است که چنانچه انجام جرم در زمان صحت و سلامتی فرد مبتلا به جنون ثابت نشود و شهادت شهود فقط ارتکاب جرم را بدون زمان انجام جرم اثبات کند، دیه مقتول باید از مال قاتل به خانواده وی پرداخت گردد و در فرض عدم دارایی، از بیت‌المال تأمین شود. همه افراد حاضر در سند این روایت جزء ثقات هستند به جز خضر صیرفی که به دلیل مجهول بودن وی، این روایت از روایات ضعیف محسوب می‌شود؛ با وجود این برخی از فقها معتقدند به دلیل اجماعی بودن حکم مسئله، ضعف سند روایت قابل جبران است (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۹۲). شهرت عملی از دو جهت مورد بحث است: یکی از جهت امکان ترجیح روایت به سبب شهرت عملی در مقام تعارض و دیگری از جهت جبران ضعف روایت ضعیف، با قطع نظر از تعارض. برخی از اندیشمندان دانش اصول معتقدند دلیلی بر ترجیح روایت به شهرت عملی وجود ندارد، مگر بنا بر این قول که آنچه موجب نزدیک‌تر شدن یکی از دو روایت به واقع باشد، از اسباب ترجیح به شمار می‌آید. بنا بر این قول، شهرت عملی از اسباب ترجیح روایت خواهد بود (مظفر، بی‌تا/۲: ۲۲۱).

اما نسبت به بحث دوم، یعنی جبران ضعف سند، عمده اندیشمندان اصولی معتقدند شهرت عملی، ضعف سندی روایت را جبران کرده، مصحح عمل به آن است؛ هر چند روایت بر حسب قواعد علم رجال، در نهایت ضعف باشد؛ چنانکه اعراض عملی مشهور فقها از روایتی، موجب ضعف و سستی آن خواهد شد؛ هر چند آن روایت، مشهور و از نظر سند بسیار قوی و معتبر باشد. زیرا اعراض مشهور از آن - به رغم قوت سند - حاکی از وجود خللی در روایت است؛ چنانکه در فرض اول، عمل مشهور - به رغم ضعف سند - بیانگر عدم خلل و قوت آن است (عراقی، بی‌تا/۲: ۹۹).

البته برخی دیگر نیز عمل مشهور به روایت ضعیف را جبران‌کننده ضعف سندی آن و اعراض آنان از روایت صحیح و قوی را موجب سستی و خلل در آن ندانسته‌اند (خوئی، ج ۲: ۱۴۳). البته ترجیح روایت به شهرت عملی بنا بر قول به آن و نیز جبران ضعف سند به عمل مشهور، مشروط به این است که عمل به روایت و فتوا به آن مشهور در نزد قدامی اصحاب باشد که به عصر حضور معصومین علیهم‌السلام نزدیک بوده‌اند و شهرت در بین فقیهان متأخر برای ترجیح روایت ضعیف یا جبران ضعف سند کفایت نمی‌کند (عراقی، بی‌تا/۲: ۹۹ و ۱۰۰ و مظفر، بی‌تا/۲: ۲۲۱).

با توجه به آنچه گذشت معلوم گردید ضعف سند روایت مورد استناد مشهور با شهرت قابل جبران نیست، زیرا روایت مزبور نزد قدامی از شهرت برخوردار نیست و آنچه ضعف سند را جبران می‌کند فتوای قدامی از فقیهان امامیه است. با توجه به آنچه گذشت معلوم گردید ضعف سند روایت مورد استناد مشهور با شهرت قابل جبران نیست، زیرا روایت مزبور نزد قدامی از شهرت برخوردار نیست و

آنچه ضعف سند را جبران می‌کند فتوای قدمای از فقیهان امامیه است.

۲-۳. بررسی رابطه دو دلیل و انتخاب دلیل معتبر

در مقام بررسی این دو روایت، ابتدائاً باید گفت با وجود روایت صحیح، نوبت به روایت ضعیف نمی‌رسد. لیکن از آنجا که برخی تلاش کرده‌اند با تمسک به شهرت و یا اجماع، ضعف سند را جبران نمایند، همان طور که در مورد شهرت بیان شد، تمسک به شهرت در این روایت مشکلی را حل نمی‌کند. از طرف دیگر چنان‌که بسیاری از فقها نیز تصریح کرده‌اند در امور کیفری که منجر به سلب حیات می‌شود با یک یا چند خبر واحد نمی‌توان قاعده لزوم احتیاط در دماء را کنار گذاشت (فاضل آبی، ۱۳۸۷: ۲/۵۷۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۱/۴۸۰).

در مورد اجماع و اینکه آیا اجماع فقها بر این روایت جابر ضعف سند آن هست یا خیر، به نظر می‌رسد اجماع نمی‌تواند ضعف سند را جبران کند زیرا اگر مستند اجماع‌کنندگان در اجماع بر عدم سقوط قصاص از قاتلی که در زمان صحت، مرتکب قتل شده است روایت برید بن معاویه باشد، اجماع، مدرکی و فاقد ارزش و اعتبار است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳/۵۰۲؛ حلی، بی‌تا: ۱۹۵) و اگر مستند آنان، اطلاق مستفاد از روایت صحیح حسن بن محبوب باشد، چنان‌که در قسمت سوم این مقاله بیان خواهد شد روایت مزبور از چنین اطلاقی برخوردار نیست. همچنین اگر مستند حکم، صرفاً اجماع باشد، از نظر صغروی و کبروی مورد تأمل است؛ خصوصاً در مجنون ادواری که امکان بهبودی در مورد او وجود دارد و به تبع آن امکان مصالحه با اولیای دم یا توبه در مورد حدود یا حداقل دفاع از خود در محاکمه نسبت به او متصور است و تأخیر اجرای حد و قصاص نسبت به او با احتیاط در دماء سازگاری بیشتری دارد.

اما اگر از این نظر عدول کنیم و قائل شویم اجماع اصحاب، جبران‌کننده ضعف سند روایت دوم است؛ در این صورت مفهوم هر یک از دو روایت با منطوق روایت دیگر ظاهراً در تعارض قرار می‌گیرد. زیرا در یک روایت بیان شده است که جنون عارضی مانع از اجرای حد شلاق ثابت شده با اقرار فرد در زمان صحت نیست و در روایت دوم بیان شده است که جنون عارضی مانع از اجرای حد قتل ثابت شده با شهادت بینه نیست. گویا در یک روایت بیان شده است: «ان کان اقرّ علی نفسه بالحد و هو صحیح، اقیم علیه الحد» و در روایت دیگر آمده: «ان شهدوا علیه بالقتل و هو صحیح، قتل به». در این صورت هر دو جمله شرطیه در استقلال در سببیت و انحصاری بودن سبب ظهور دارند و برای رفع تعارض باید از ظهور هر یک از دو روایت در انحصاری بودن سبب دست کشید (مظفر، بی‌تا: ۱۱۶) و چنین نتیجه گرفت که اگر فردی به جرم ارتكابی در زمان صحت و سلامت عقلی اقرار کند یا بینه بر ارتكاب جرم در این حالت شهادت دهد، حد بر وی جاری می‌شود و جنون

عارض شده پس از اثبات تحقق جرم در زمان صحت، مانع از اجرای حد بر فرد مبتلا به جنون نیست. البته منافاتی ندارد که دلیلی ذکر شود و به استناد آن دلیل حکم شود و اجرای حد به تأخیر افتد؛ زیرا هر دو روایت در صدد اثبات اصل عدم سقوط حد به واسطه عروض جنون هستند و در مورد فوریت اجرای حد یا عدم آن ساکت هستند و فوریت در اجرای مجازات از ادله دیگر کشف می‌شود. از طرفی نیز اگر بر فرض محال پذیرفته شود که این دو روایت با هم تعارض دارد و باید سراغ اصل عملی رفت؛ در مورد استناد به اصل عملی استصحاب نیز گفته شده است: «جریان این استصحاب مورد اشکال است، زیرا موضوع متفاوت شده و عرفاً فرد مجنون غیر از عاقل است» (گلپایگانی، ۳/۱۴۱۲: ۲۸). اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین اشکال وارد به اصل مزبور این است که رتبه تمسک به اصل عملی پس از فقدان دلیل اجتهادی است و با وجود روایت صحیح در مسئله، نوبت به تمسک به استصحاب نمی‌رسد و دلیل روایی وارد بر اصل عملی است. علاوه بر اینکه امکان دارد موضوع، واحد لحاظ شود، بدین معنا که سلامتی و جنون از حالات عارض بر موضوع محسوب شده و موضوع در استصحاب، مرتکب جرم در نظر گرفته شود که در یک زمان سالم بوده و در زمان دیگر جنون به او عارض شده و عروض حالت جنون موجب تردید در وجوب اجرای حد نسبت به مجرم محسوب شود. با عنایت به مباحث مزبور روشن می‌شود که مستند مورد اعتماد در مسئله مورد گفت‌وگو، منحصر در روایت صحیح «حسن ابن محبوب» است که در قسمت بعد به تحلیل این روایت از حیث تمایز با نظرات فقهی و قانونی موجود پرداخته می‌شود.

۳. محدودیت‌های اجرای مجازات از رهگذر بررسی دلالتی روایت معتبر

همان طور که در قسمت قبل بیان شد، روایت معتبر و قابل استناد برای بحث اجرای مجازات مجنون، روایت صحیح حسن بن محبوب است. در این قسمت با بررسی محتوای این روایت به وجود برخی محدودیت‌ها در اجرای مجازات مجنون اشاره می‌شود که برخلاف نظر فقهی مشهور و نیز رویکرد قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران است. شایان ذکر است که این تحدید موافق با قاعده احتیاط در دماء است که مورد تأکید شارع است. از آنجا که با ادله‌ای که در ادامه بیان خواهد شد، حداقل می‌توان قائل به وجود شبهه در اجرای برخی مجازات‌های شخص مجنون شد، این قاعده ایجاب می‌دارد در مواردی که اجرای این مجازات‌ها سبب از بین رفتن جان انسان‌ها می‌شود، به عدم اجرای آن‌ها حکم داد. افزون بر آن، اجرای مجازات فردی که پس از ارتکاب جرم مجنون می‌شود به طور مطلق، امکان دفاع را از او سلب می‌کند که از این حیث نیز بنابر قول یکی از فقهای معاصر سبب ایجاد شبهه در دلالت این روایت بر این موضوع می‌شود: «اگر در حال سلامتی مرتکب جرم شود و در حال جنون بر وی بینه اقامه گردد، آیا برای حاکم جایز است حد را بر او جاری کند و آیا در

این وضعیت بر او حد جاری می‌شود؟ مسئله نزد من دارای اشکال است از این جهت که متهم عاجز از دفاع از خود است و در ارتکاز عقلا، محاکمه مجنون بعید است و در شمول روایت صحیح اُبی عبیده نسبت به این صورت، شبهه وجود دارد» (اردبیلی، ۱/۱۴۲۷: ۵۳۶). در ادامه به محدودیت‌های قابل برداشت از متن این روایت اشاره می‌شود.

۱-۳. محدودیت اجرا از حیث وضعیت سلامتی مرتکب در زمان اثبات و نوع شیوه اثبات

در مورد معنای فقره «إِنْ كَانَ أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ الْحَدَّ وَهُوَ صَحِيحٌ... أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ» دو احتمال وجود دارد: الف) اگر مجرم در حال سلامتی، فعلی را انجام داده که موجب ثبوت حد است، حد بر او جاری می‌شود. ب) اگر مجرم در حال سلامتی، با اقرار، حد را بر خود واجب کرده، حد بر او جاری می‌شود. به نظر می‌رسد از بین این دو احتمال، احتمال دوم متعین باشد؛ زیرا به صرف انجام جرم در زمان سلامتی بدون اینکه بینه‌ای در کار باشد یا خود فرد به جرم ارتكابی اقرار کند، حد بر کسی واجب نمی‌شود. توضیح آنکه در روایت ابن محبوب بیان شده است که فرد، حد را بر خود واجب کند و حد زمانی بر فرد واجب می‌شود که جرم او در محکمه ثابت شده باشد و صرف ارتکاب رفتار مجرمانه سبب واجب شدن حد بر فرد نمی‌شود. به‌عنوان مثال ممکن است فردی مرتکب زنا شود ولی تا زمانی که زنا از طرق شرعی همچون شهادت چهار شاهد با کیفیت مخصوص اثبات نشود، نمی‌توان حد را بر او واجب دانست. بر این اساس نمی‌توان قائل به احتمال اول بود که این روایت ناظر به وقتی است که فرد به صرف ارتکاب رفتار مجرمانه در حال سلامتی، حد را بر خود واجب کرده باشد.

افزون بر آن با توجه به اینکه در این روایت بیان شده است که فرد، خود باید حد را بر خود واجب کرده باشد، شیوه اثبات مدنظر این روایت، صرفاً محدود به اقرار است. به بیان دیگر، چنانچه اثبات جرم با شهادت بینه باشد، فرد حد را بر خود واجب نکرده است و لذا از شمول حکم این روایت خارج می‌شود. ممکن است گفته شود از باب الغای خصوصیت می‌توان گفت اقرار خصوصیتی ندارد و بینه نیز داخل در حکم است. در پاسخ باید اشاره داشت اصل بر آن است که هر لفظ در معنای خود و آنچه مدنظر امام معصوم بوده است به کار رفته است. به بیان دیگر اگر گفته شود لفظ خصوصیت ندارد و معنای عموم و شمول در نظر گرفته شود خلاف اصل است و نیاز به دلیل دارد که چنین دلیلی نیز موجود نیست. از طرفی ممکن است گفته شود باید ثابت شود امام در این روایت در مقام بیان بوده است که در پاسخ بیان می‌شود اصل در مقام بیان بودن است و در مقام بیان نبودن نیاز به دلیل دارد. بر این اساس، روایت مزبور دلالت می‌کند بر اینکه وقتی حدی با اقرار فرد ثابت و بر فرد واجب شد با عروض جنون ساقط نمی‌شود.

۲-۳. محدودیت اجرا از حیث نوع جرم و مجازات

مقوله دیگری که می‌تواند از جمله محدودیت‌های اجرای مجازات فرد مجنون باشد، نوع جرم و مجازات آن است. اولاً در روایت ابن محبوب به جرم مستوجب حد اشاره شده است و لذا سایر جرایم یعنی جرایم تعزیری و جنایات از شمول حکم این روایت خارج می‌شوند. درخصوص مجازات‌ها نیز چنانچه مطلق مجازات‌ها مدنظر باشد، انواع مجازات‌های شرعی همچون قتل، صلب، تازیانه و تبعید را شامل می‌شود. از آنجا که در این روایت، در سؤالی که از حضرت پرسیده می‌شود به مجازات ضرب یا تازیانه اشاره می‌شود، این مسئله مطرح می‌شود که منظور از مجازات حدی که در پاسخ حضرت بیان می‌شود آیا کلیه مجازات‌های حدی است یا صرفاً مجازات تازیانه را در بر می‌گیرد. در این راستا باید مقصود از کلمه «الحد» در این روایت مورد تدقیق قرار گیرد. در این خصوص دو احتمال وجود دارد: الف) «ال» برای بیان جنس باشد. در این صورت معنا چنین خواهد بود که اگر فرد در حال سلامتی، با اقرارش بر خود حدی را واجب کرد، جنون عارض شده مانع از اجرای حد نیست. ب) «ال» برای بیان عهد ذکری باشد. در این صورت معنا چنین خواهد بود که اگر فرد در حال سلامتی، با اقرارش بر خود حد شلاق را واجب کرد، جنون عارض شده مانع از اجرای این حد نیست. به نظر می‌رسد از بین این دو احتمال، احتمال دوم در معنای مقصود از کلمه «الحد» متعین است، زیرا این کلمه در فقرة «إِنْ كَانَ أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ الْحَدَّ وَ هُوَ صَحِيحٌ» در پاسخ به سؤال راوی از لزوم اجرای حد شلاق پس از عروض جنون صادر شده است و حکمت و فصاحت و بلاغت در کلام اقتضا دارد پاسخ امام مطابق با سؤال راوی باشد.

ممکن است بیان شود اگر نوع حد در حکم مسئله، تأثیرگذار بود؛ امام در پاسخ به سؤال راوی، به جای کلمه «الحد» از کلمه «الضرب» استفاده می‌کردند تا تأییدی بر دخیل بودن نوع حد مورد سؤال، در حکم اجرای حد بر مجنون باشد و از اینکه امام در پاسخ، از چنین تعبیری استفاده نکرده‌اند، عمومیت نسبت به تمام اقسام حد استفاده می‌شود؛ زیرا می‌توان «ال» در «الحد» را «ال» جنس که دال بر عموم است در نظر گرفت.

در پاسخ می‌توان گفت اگر عمومیت حد نسبت به همه اقسام آن مدنظر امام می‌بود، حضرت می‌توانستند این عمومیت را با تعبیر «حداً» به صورت نکره و بدون «ال» نیز به مخاطب بفهمانند؛ بنابراین تعبیر به «الحد» در معنایی غیر از عمومیت یعنی همان احتمال دوم و بیان عهد ذکری ظهور می‌یابد و در فرض عدم پذیرش این ظهور، حداقل در معنای مقصود از «الحد» دو احتمال مساوی به وجود می‌آید؛ در نتیجه نمی‌توان با استناد به اطلاق و عمومیت مستفاد از روایت، شمول آن را نسبت به تمام اقسام حدود نتیجه گرفت.

ممکن است بیان شود عبارت «کائناً ما کان» که در انتهای روایت ذکر شده است بدین معناست که هر حدی باشد اعم از قتل، رجم، شلاق و تبعید باید اجرا شود. در پاسخ می‌توان بیان داشت با توجه به سؤال سائل که در مورد ضرب (شلاق) است به نظر می‌رسد عبارت «کائناً ما کان» در صدد بیان این موضوع است که هرگونه مجازات حدی که از نوع جلد (شلاق) باشد و جلد نیز به هر تعداد که باشد چنانچه با اقرار شخص ثابت شده باشد باید نواخته شود و بر چیزی بیش از این دلالت ندارد.

با توجه به مباحث مزبور این سخن که وقتی حدی از حدود بر کسی واجب شد، لازم است این حد هرچه باشد اجرا شود، قابل‌پذیرش نیست و صرفاً مجازات تازیانه مدنظر است. زیرا اولاً سائل روایت، سؤال خود را در مورد ضرب مطرح کرده و برای تعدی از ضرب به سایر موارد نیاز به دلیل است که چنین دلیلی مفقود است و باید اقتصار به نص کرد. ثانیاً می‌توان گفت فرد غالب در حدود، ضرب است و اگر اطلاقی هم باشد به فرد غالب انصراف پیدا می‌کند. از طرفی شاید بتوان گفت مجازاتی مانند شلاق نسبت به مجازات‌های دیگر مانند قتل و قطع از شدت کمتری برخوردار است و قابلیت جبران بیشتری دارد. مضاف بر اینکه از بین مجازات‌ها، ضرب با احتیاط در دماء سازگارتر است و در نهایت نیز آنکه، ظهور الف و لام در کلمه الحد به عهد ذکری، به مراتب قوی‌تر از ظهور در اطلاق است. زیرا اگر بپذیریم این الف و لام عهد ذکری است دیگر نیازی به تأویل کلام هم نیست و دلالت بر مجازات تازیانه دارد.

۴. تأثیر دیدگاه مختار بر قوانین کیفری ایران

همان‌طور که بیان شد مقررات مربوط به اجرای مجازات فردی که پس از ارتکاب رفتار مجرمانه مبتلا به جنون می‌شود در ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره (۲) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است که در این قسمت به مقایسه دیدگاه مختار نگارندگان این مقاله بر این قوانین به تفکیک جرایم تعزیری، جرایم موجب حد حق‌اللهمی و جرایم موجب حد حق‌الناسی و قصاص و دیه پرداخته می‌شود.

۴-۱. میزان تأثیر بر جرایم تعزیری

در ماده ۱۵۰ قانون مجازات، تکلیف جرایم تعزیری مشخص شده است. طبق این ماده، «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرایم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تارفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود.» مستفاد از این قسمت ماده، در جرایم تعزیری چنانچه مرتکب بعد از ارتکاب رفتار مجرمانه دچار جنون شود، خواه این جرم در محکمه ثابت شده باشد و منجر به صدور حکم شده

باشد یا خیر، مجازات‌ها به طور مطلق تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتند.

با توجه به دیدگاه مختار نگارندگان که صرفاً در جرایم مستوجب حد می‌توان قائل به اجرای مجازات مدنظر روایت ابن محبوب بود، مجازات‌های تعزیری از شمول حکم این روایت یعنی اجرای مجازات محنون خارج می‌شود. بر این اساس پیرامون جرایم تعزیری تفاوتی میان دیدگاه نگارندگان و حکم مدنظر قانون مجازات اسلامی وجود ندارد و لذا از این حیث تحدیدی در میزان مجازات‌های مدنظر قانون‌گذار ایجاد نمی‌شود.

۴-۲. میزان تأثیر بر جرایم موجب حد حق الهی

در خصوص جرایم موجب حد طبق تبصره (۱) ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره (۲) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری باید قائل به تفصیل شد. بر اساس ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی، در حدودی که جنبه حق الهی دارد، در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی، تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد و پس از صدور حکم قطعی، حد ساقط نمی‌شود.

پیرامون جرایم موجب حد که در آن جنون قبل از صدور حکم عارض شده باشد با توجه به اینکه هنوز حکم ثابت نشده است، طبق دیدگاه مختار نگارندگان، نمی‌توان فرد مجنون را مجازات کرد و لذا از این حیث با این دیدگاه با نظر قانون‌گذار تفاوتی ندارد و تحدیدی نیز در میزان این مجازات‌ها صورت نمی‌پذیرد. اما در خصوص عارض شدن جنون پس از صدور حکم قطعی که این ماده قائل به اجرای مجازات است، دیدگاه مختار سبب تحدید میزان این مجازات‌ها خواهد شد. زیرا طبق این دیدگاه در جرایم موجب حد حق الهی نیز صرفاً چنانچه جرم با اقرار خود فرد ثابت شده باشد و مجازات آن تازیانه باشد، مجازات اجرا خواهد شد و سایر موارد یعنی اثبات با بینه و مجازات‌های غیر تازیانه مثل قتل، رجم و تبعید باید تا افاقه مرتکب به تأخیر بیفتند.

۴-۳. میزان تأثیر بر جرایم موجب حد حق الناسی و قصاص و دیه

در تبصره (۲) ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی بیان شده است: «نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.» در تبصره (۱) ماده (۱۳) قانون آیین دادرسی کیفری نیز ذکر شده است: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرایم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند.»

با توجه به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در انتهای سال ۱۳۹۲، این قانون نسبت به قانون مجازات اسلامی مؤخر محسوب می‌شود و لذا قید مذکور در این قانون یعنی بحث عدم امکان رفع

اتهام مجنون از خود حتی در فرض افاقه مجری است.

در مقام مقایسه دیدگاه مختار و رویکرد قانون‌گذار ایران پیرامون جرایم موجب حد حق‌اللهی و قصاص و دیه، چنان‌که مشاهده می‌شود، دیدگاه مختار این مقاله سبب تحدید میزان مجازات‌های مدنظر قانون‌گذار می‌شود. زیرا این قید حتی عارض شدن جنون قبل از صدور حکم را نیز شامل می‌شود و از این حیث با دیدگاه مختار که صرفاً فرض اثبات و صدور حکم آن هم با اقرار را مدنظر دارد در تعارض است. از سوی دیگر، طبق دیدگاه قانون‌گذار، جرایم موجب قصاص و دیه نیز مشمول حکم اجرای مجازات قرار می‌گیرند؛ در حالی که طبق دیدگاه مختار این پژوهش، صرفاً در برخی افراد جرایم موجب حد می‌توان اقدام به اجرای مجازات کرد و قصاص و دیه از شمول حکم آن خارج می‌شوند. در خصوص مجازات‌های موجب حد حق‌الناسی مانند سرقت و قذف نیز صرفاً اگر با اقرار ثابت شده باشند مشمول روایت ابن محبوب می‌شوند؛ در حالی که طبق قانون مجازات لزومی بر وجود این قیود مشاهده نمی‌شود.

نتیجه

یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری از نظر شارع مقدس، جنون است که در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز ذکر شده است. اگرچه پیرامون ارتکاب جرم در زمان عروض جنون اختلاف‌نظری میان فقها وجود ندارد و همه به اتفاق قائل به عدم مجازات چنین شخصی هستند ولی در خصوص عروض جنون پس از ارتکاب جرم و امکان یا عدم امکان اجرای مجازات، میان آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد و البته مشهور فقها قائل به اجرای مجازات به‌طور مطلق شده‌اند.

مشهور در حکم مسئله مورد گفت‌وگو به روایت صحیح‌ابی عبیده، روایت برید بن معاویه و اصل عملی استصحاب استناد کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد موافقت با نظر مشهور، میسر نیست؛ زیرا روایت‌ابی عبیده فقط بر اجرای حکم شلاقی که با اقرار فرد در زمان سلامتی عقلی ثابت شده است دلالت دارد و نمی‌توان از آن عمومیت و شمول نسبت به همه حدود و با هر شیوه اثبات را برداشت کرد. علاوه بر اینکه استفاده عمومیت حکم از این روایت با قاعده احتیاط در دماء تناسب ندارد. همچنین روایت دوم نیز به دلیل ضعف سند و عدم استناد به خبر واحد ضعیف در باب حدود قابل تمسک نیست و با وجود روایت صحیح در حکم مسئله، نوبت به اصل عملی استصحاب نمی‌رسد.

نتایج حاصل از بررسی‌های این پژوهش عملاً سبب تحدید امکان اجرای مجازات مجنون می‌شود؛ بدین ترتیب که اجرای مجازات فردی را که پس از ارتکاب جرم، مجنون می‌شود را محدود به لزوم اجرای حد شلاق بر فردی می‌کند که با اقرار خود در زمان صحت و سلامتی عقلی، این حد را بر خود واجب کرده باشد و پس از آن بر وی جنون عارض شده است.

اگرچه قانون‌گذار ایران، اجرای مجازات مجنون را در این فرض به طور مطلق نپذیرفته است و قائل به وجود برخی شرایط شده است ولی پذیرش نظر حاصل از این پژوهش دایره شمول اجرای مجازات مجنون را به مراتب محدودتر می‌سازد؛ امری که با احتیاط در دماء و همچنین حقوق دفاعی متهم سازگاری بیشتری دارد.

با توجه به مباحث مذکور در این پژوهش که قائل به لزوم تحدید در نوع مواجهه قانون‌گذار با موضوع اجرای مجازات مجنون است، ماده‌ای مبتنی بر دیدگاه مختار این پژوهش، برای اصلاح قوانین کیفری موجود پیشنهاد می‌شود: «هرگاه مرتکب پس از ارتکاب جرم، دچار جنون شود چنانچه جنون قبل از صدور حکم عارض شود تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. عارض شدن جنون پس از صدور حکم در جرایم موجب حد که مجازات آن‌ها تازیانه باشد و با اقرار فرد ثابت شده باشند، مانع اجرای مجازات نیست و در سایر موارد موجب تأخیر در اجرای مجازات می‌شود.»



منابع

فارسی

- توکل پور، محمدهادی و دیگران (۱۴۰۰)، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- توکل پور، محمدهادی، مصطفی مسعودیان و کاظم کوهی اصفهانی (۱۳۹۷)، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- جودکی، بهزاد، عباسی، محمود (۱۳۹۳)، «اجرای احکام کیفری نسبت به مجنون در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوق پزشکی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- رهپیک، سیامک و مهدی هادی (۱۴۰۰)، «بررسی فقهی - حقوقی جنون با تأکید بر راهنماهای تشخیصی و آماری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۳.
- عباسی، محمود و نبی‌اله غلامی (۱۳۹۶)، «تحلیل فقهی - حقوقی اجرای حد بر محکوم‌علیه بعد از عروض جنون»، مجله فقه پزشکی، دوره ۹، شماره ۳۰-۳۱.

عربی

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰ ش)، الفهرست، بی‌جا.
- اردبیلی، سید عبدالکریم موسوی (۱۴۲۷ ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: مؤسسة النشر لجامعة المفید رحمه الله.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۴۳۳ ق)، طبقات الرجال، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد، مازح، یاسر (۱۴۱۹ ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام، بیروت، دار الثقلین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۳۵ ق)، منهاج الصالحین (للروحانی)، بیروت: دار بلال لطباعة و النشر.
- حلّی، ابن داوود (۱۳۹۲ ق)، الرجال، نجف: مطبعة حیدریه.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ ق)، خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال، قم: مؤسسة نشر الفقاهة.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (بی‌تا)، مبادئ الوصول الی علم الاصول، بیروت: دار الأضواء.
- حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- خميني، سيد روح الله (بي تا)، تحرير الوسيله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- خوئي، سيد ابوالقاسم (١٣٨٠ق)، الابواب (رجال)، قم: منشورات الرضى.
- خوئي، سيد ابوالقاسم (١٤١٠ق)، تكملة المنهاج، قم: نشر مدينة العلم.
- خوئي، سيد ابوالقاسم (١٤١٣ق)، مصباح الاصول، قم: مكتبة الداوري.
- خوئي، سيد ابوالقاسم (١٣٧٢ش)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، قم: مركز نشر الثقافة الاسلاميه فى العالم.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٣ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلاميه.
- شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- عراقى، آقا ضياء الدين (بي تا)، نهاية الافكار، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه.
- طباطبايى كربلايى، على بن محمد على (١٤١٨ق)، رياض المسائل فى تحقيق الأحكام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طوسى، محمد بن حسن (١٤٢٠ق)، الفهرست، مشهد: مكتبه الرضويه.
- فاضل أبى، حسن بن ابيطالب (١٤١٧ق)، كشف الرموز فى شرح مختصر النافع، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- فاضل هندى، محمد بن حسن (١٤١٦ق)، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- فياض كابلئى، محمد اسحاق (بي تا)، منهاج الصالحين (للفياض)، قم: مكتب آيه الله محمد اسحاق الفياض.
- كشى، محمد بن عمر (١٣٤٨ش)، إختيار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، تهران: دارالكتب الإسلاميه.
- گلپايگانى، سيد محمد رضا (١٤١٢ق)، الدر المنضود فى احكام الحدود، قم: دار القرآن الكريم.
- مجلسى، علامه محمد باقر (١٣٧٨ش)، الوجيزه فى الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- محقق اردبيلئى احمد بن محمد (١٤٠٣ق)، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- مدنى كاشانى، حاج آقارضا (١٤١٠ق)، كتاب القصاص للفقهاء و الخواص، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- مظفر، محمد رضا (بي تا)، اصول الفقه، قم: انتشارات اسماعيليان.
- مكارم شيرازى، ناصر (١٤٢٨ق)، أنوار الأصول، قم: مدرسه الامام على بن ابى طالب (ع).
- منتظرى نجف آبادى، حسين على (١٤١٨ق)، كتاب الحدود (للمنتظرى)، قم: انتشارات دار الفكر.
- مومن قمى، محمد (١٤٢٢ق)، مباني تحرير الوسيله، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره.

- نجاشی، احمد بن علی (بی تا)، رجال النجاشی، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- وحید خراسانی (۱۴۲۸)، حسین، منهاج الصالحین (للوحید)، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

